آرمان ملی
armanmeli.ir
سال پنجم
شماره ۱۳۰۴
سه‌شنبه
۱۴۰۱•۰۳•۳۱
۲۱ ذی‌القعده ۱۴۴۳ / ۲۱ ژوئن ۲۰۲۲

فـــرارو

۱۹ سال کشمکش هسته‌ای بین تندروها و اعتدالیون

کافی است گشت و گذاری در تاریخ داشته باشیم تا یک اصل از دل آن هویدا شود و آن اینکه هر کجا افراط‌گرایی حاکم شده و جای عقل و منطق را گرفته، از همان نقطه بزرگ‌ترین ضربه‌ها به یک کشور وارد شده است. قرن نو نوشت ماجراها و بگومگوهای اخیر درباره چند و چون مذاکرات هسته‌ای و شکافتن ضد و نقیض‌ها درباره اختلاف نظر سعید جلیلی و علی لاریجانی نیز در همین راستاست. ماجرا از آنجا شروع شد که ۲۱ خرداد جلسه‌ای فوق‌العاده در مجمع تشخیص برگزار شد که عنوان اصلی آن «بررسی اولویت‌های سیاست‌های کلی برنامه هفتم» بود یک روز بعد از پایان این جلسه کانال تلگرامی عماریون که اتفاقا نزدیک به طیف دولت و جریان اصولگرایی است پرده از یک اختلاف برداشت. طبق گزارش این کانال تلگرامی، در این جلسه سعید جلیلی طرح خروج ایران از NPT را به صورت مفصل مطرح کرد که با مخالفت آملی لاریجانی، علی لاریجانی و علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی روبه‌رو شد. هرچند این شرح ماجرا با تکذیبیه روابط عمومی مجمع تشخیص مصلحت نظام و سکوت دفتر لاریجانی و جلیلی و البته دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی مواجه شد.

لاریجانی و اختلافات با احمدی‌نژاد

۱۷ سال پیش بود که بعد از پایان یافتن غائله انتخابات و پیروزی اصولگرایان، محمود احمدی‌نژاد اولین دستخوش را به علی لاریجانی که در آن انتخابات یکی از رقبایش محسوب می‌شد نشان داد و لاریجانی با حکم رئیس‌جمهور راهی ساختمان شورای عالی امنیت ملی شد تا بر کرسی دبیر شورای عالی امنیت ملی تکیه بزند؛ در آن مقطع پیگیری مذاکرات به شورای عالی امنیت ملی سپرده شده بود و لاریجانی هم پیرو این رویه بعد از حسن روحانی این سکان را به دست گرفت. از همان تاریخ دور مذاکرات تیم جدید شروع شد. در آن مقطع افرادی مانند حسن روحانی انتقاداتی را به این تیم و نحوه مذاکرات وارد می‌دانستند.» البته با وجود این نقدها به تیم علی لاریجانی از سوی دیگر اوضاع در داخل دولت احمدی‌نژاد هم چندان با اتفاق نظر پیش نمی‌رفت و تفاوت دیدگاه لاریجانی با احمدی‌نژاد یکی از مشکلات پیشبرد مذاکرات هسته‌ای بود به طوری که لاریجانی نتوانست دوران چهارساله خود را به پایان برساند و در نهایت به دلیل همه اختلاف نظر استعفای خود را نوشت و کار را به همفکران احمدی‌نژاد سپرد. او چندسال بعد درباره این استعفا گفت: «مسائلی که در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی وجود دارد، جزو مسائل حساس کشور است که یکی از آنها مساله هسته‌ای ایران است. مسائل گوناگونی که به منفعت و امنیت ملی مربوط می‌شود، آنجا مورد بررسی قرار می‌گیرد. من حس می‌کردم یک نوع اختلاف جدی مدیریتی با آقای احمدی نژاد دارم. مسائل استراتژیک کشور با تانی و حساب شده پیش برود و احتیاج دارد همه بخش‌های مختلف همگرایی داشته باشد. کارهای لحظه‌ای نمی‌تواند صدق کند و برای کشور مشکلاتی ایجاد می‌کند. تا یک مدتی قابل تحمل بود و بحث می‌کردیم اما از یک زمانی به بعد من دیدم به هرحال ایشان رئیس‌جمهور است و حق دارد و لزومی ندارد که بنده مزاحم ایشان باشم و نمی‌خواستم حضوری تحمیلی داشته باشم. در واقع سطح من این نبود.»

مذاکره برای مذاکره با مُهر جلیلی

با کنار کشیدن علی لاریجانی از ریاست بر شورای عالی امنیت ملی، قرعه به نام سعید جلیلی افتاد تا یکی از دوران پر انتقاد در تاریخ مذاکرات هسته‌ای را رقم بزند. در همین دوران بود که تفکر سیاست «مذاکره برای مذاکره» شکل گرفت و در نهایت حاصل رفت و آمدهای او تصویب ۳ قطعنامه «-۱۸۰۳ ۱۸۸۷ و ۱۹۲۹» بود؛ هرچند جلیلی معتقد است اینها بیانیه بود اما آنچه واضح و شفاف است تبعاتی است که همین قطعنامه‌ها یا به قول جلیلی «بیانیه» یا به قول احمدی‌نژاد «کاغذ پاره» برای کشور به دنبال داشت. «دیپلماسی این نیست که انسان برود مقابل کشورهای دیگر خطابه بخواند و در مصاحبه مطبوعاتی مطالب خود را بیان کند. دیپلماسی این نیست که ما در یک طرف بنشینیم و آنها در طرف مقابل بنشینند و ما حرف مشخصی را بزنیم بدون آنکه اقدامات دیگری در خارج از آن انجام دهیم.» این جملات را علی‌اکبر ولایتی در جریان مناظرات انتخاباتی سال ۹۲ خطاب به سعید جلیلی و تفکرات او درباره نحوه مذاکرات به زبان آورد. در واقع جلیلی را اگر نماد تفکر تند درباره مذاکرات هسته‌ای قلمداد کنیم، انتقادات صریح مشاور رهبری در امور بین‌الملل نشان می‌دهد این تفکر چندان پایگاهی ندارد؛ و اتفاقا وقتی مذاکرات هسته‌ای بعد از ۱۲ سال کشمکش به نقطه توافق برجام رسید و بسیاری از همقطاران جلیلی به تصویب این توافق ایراد گرفتند، ولایتی در این رابطه گفت: «ما حتما باید مذاکره می‌کردیم، این تصمیم، تصمیم نظام بود تصمیم فرد نبود. نظام طرفدار مذاکره بود چه در دولت قبلی و چه در این دولت و اگر این مذاکرات انجام نمی‌شد گزینه دیگر جنگ بود.»

ادامه اختلافات درون اصولگرایی

با روی کار آمدن دولت رئیسی و نظراتش درباره مذاکرات هسته‌ای پیش‌بینی می‌شد که شاید بار دیگر فردی در قد و قامت سعید جلیلی در راس شورای عالی امنیت ملی قرار گیرد یا پست وزارت خارجه به او سپرده شود تا ادامه مذاکرات را او با سبقه‌ای که در این زمینه داشت پیگیری کند؛ اما این گمانه‌زنی‌ها در سطح حدس و گمان و انتظار حامیان باقی ماند تا شخص دیگری در این مقام قرار گیرد. همه آنچه گفته شد نشان می‌دهد ایده‌ها و نظرات تند، تاریخ مصرفشان گذشته است و اگر برخی خواهان گوشه چشمی هستند، باید به سوی به‌روزرسانی کردن ایده‌هایشان در قرن جدید گام بردارند.

ناصر ابراهیمی مربی اسبق تیم ملی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

فوتبال ایـــران ثبات ندارد

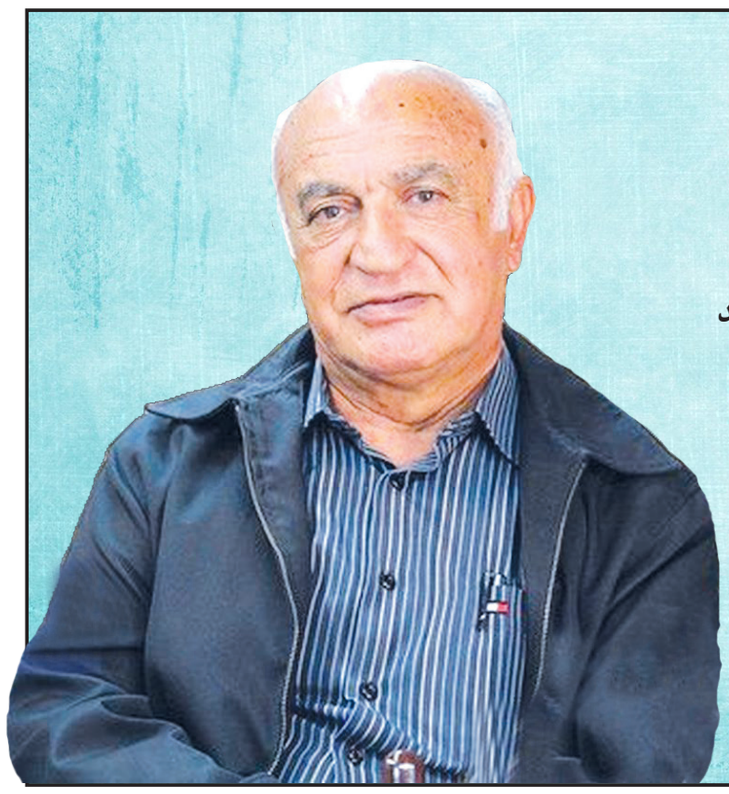

- فدراسیون به جای تغییر مربی به دنبال برنامه‌ریزی باشد
- تغییر سرمربی تیم‌ملی در شرایط کنونی اشتباه است
- اگر یک چوب هم مربی تیم‌ملی باشد همه بازیکنان باید تابع او باشند
- اگر کی‌روش تضمین می‌دهد ایران از گروه خود صعود کند به عنوان سرمربی انتخاب شود
- وزارت ورزش و فدراسیون فوتبال در قبال تیم‌ملی ضعیف عمل می‌کنند
- اسکوچیچ هنوز امتحان خود را پس نداده است
- نباید ماجرای ایویچ در تیم‌ملی تکرار شود
- هیچ برنامه‌ریزی دقیقی برای حضور ایران در جام‌جهانی صورت نگرفته است

آرمان ملی- احسان انصاری: در شرایطی که تیم‌ملی فوتبال ایران زمان کمی برای آماده سازی برای حضور در جام‌جهانی دارد هنوز بازی‌های تدارکاتی خوبی برای تیم‌ملی در نظر گرفته نشده است. از سوی دیگر گمانه‌زنی‌هایی مبنی بر حضور مجدد کی‌روش در تیم‌ملی وجود دارد که هنوز به صورت رسمی تایید نشده است. این در حالی است که زمزمه‌هایی که از اختلاف بین برخی بازیکنان تیم‌ملی با اسکوچیچ شنیده می‌شود که برای فوتبال ایران که در آستانه حضور در جام‌جهانی است اخبار خوشایندی نیست. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی وضعیت تیم‌ملی قبل از جام‌جهانی و رقابت با تیم‌های هم گروه خود با ناصر ابراهیمی مربی سابق تیم‌ملی گفت‌وگو کرده است. ابراهیمی معتقد است: «ما در جام‌جهانی با سه کشوری بازی داریم که هر سه انگلیسی زبان هستند و سبک بازی آنها نیز به هم نزدیک و بلکه مشابه هم است. به همین دلیل باید با تیم‌هایی بازی کنیم که سبک فوتبال آنها به این کشورها نزدیک باشد. کشورهایی مانند برزیل، آرژانتین یا تیم‌های آفریقایی سبک بازی متفاوتی دارند و برای بازی تدارکاتی ایران در جام‌جهانی گزینه‌های مناسبی به شمار نمی‌روند. به عنوان نمونه سبک بازی تیم الجزایر که ما با آنها بازی کردیم شبیه تیم‌های هم گروه ایران در جام‌جهانی نیست. در این بازی نیز ما بازی خوبی ارائه نکردیم و بازیکنان تیم‌ملی با روحیه بالایی در این مسابقه شرکت نکرده بودند. شاید از نظر بدنی خوب بودند اما از نظر روانی در وضعیت مناسبی قرار نداشتند.» در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

در حالی که زمان کمی تا آغاز بازی‌های جام‌جهانی باقی مانده است گمانه زنی‌هایی درباره تغییر سرمربی تیم‌ملی و احتمال حضور مجدد کی‌روش در تیم‌ملی به وجود آمده است. دیدگاه شما در این زمینه چیست؟

اگر به‌خاطر داشته باشید قبل از جام‌جهانی ۱۹۹۸ نیز تیم‌ملی در چنین وضعیتی قرار داشت و هنگامی که آقای ایویچ سرمربی تیم‌ملی بودند پس از چند باخت در بازی‌های دوستانه جای خود را به آقای جلال طالبی دادند. من این گمانه زنی‌ها را ناشی از نابسامانی‌های موجود در فوتبال ایران می‌دانم و معتقدم نباید دوباره اتفاقات دوران ایویچ در تیم‌ملی تکرار شود. واقعیت این است که فوتبال و به صورت کلی ورزش ایران ثبات ندارد و به همین دلیل این اتفاقات در ورزش ایران رخ می‌دهد. در شرایط کنونی برخی عنوان می‌کنند اسکوچیچ تنها مربی بوده که ایران را سریع‌تر از بقیه به جام‌جهانی رسانده است. اگر ما به دنبال بازی تدارکاتی بودیم باید خیلی زودتر اقدام می‌کردیم. اغلب تیم‌های جهان دارای برنامه‌ریزی هستند و برنامه بازی‌های دوستانه آنها از قبل تنظیم شده است. به همین دلیل نمی‌توان یک هفته قبل به یک کشور اعلام کرد که با ما بازی دوستانه برگزار کند و بلکه باید از مدت‌ها قبل این برنامه‌ریزی‌ها صورت می‌گرفت تا تیم‌ملی بتواند بازی‌های تدارکاتی خوبی را تا قبل از آغاز جام‌جهانی انجام بدهد. نکته دیگر اینکه مشخص نیست چرا تیم‌ملی به مدت ده روز در قطر اردو زده و تنها با یک تیم بازی کرده است. امروز همه کسانی که قصد سفر به قطر دارند تنها یک روز در این کشور می‌مانند و به دلیل گرما خیلی زود این کشور را ترک می‌کنند. این در حالی است که تیم‌ملی به مدت ده روز در این کشور اردو زده است. حداقل این بود که باید در این ده روز سه بازی تدارکاتی برای تیم در نظر گرفته می‌شد که این اتفاق رخ نداد. من معتقدم در شرایط کنونی وزیر ورزش، فدراسیون و کسانی که تصمیم گیر هستند ضعیف عمل می‌کنند و برنامه‌ریزی دقیقی برای حضور تیم‌ملی در جام‌جهانی صورت نگرفته است. کسانی که دنبال این هستند که کی‌روش را دوباره به تیم‌ملی بیاورند باید به این سوال پاسخ بدهند که اگر وی سرمربی تیم‌ملی شود قرار است ایران در جام‌جهانی قهرمان شود؟ اگر کی‌روش می‌توانست کاری کند که تیم‌ملی از گروه خود در جام‌جهانی صعود کند چرا در جام‌جهانی گذشته که سرمربی تیم‌ملی بود این کار را نکرد؟ حتی اگر فرض بگیریم که تیم‌ملی از گروه خود در جام‌جهانی نیز صعود کند. سوال این است که این اتفاق چه سودی برای فوتبال ایران دارد وقتی که بیش از ۴ دهه است که هنوز در آسیا قهرمان نشده‌ایم.

> **اسکوچیچ هنوز امتحان خود را پس نداده است و مشخص نیست که بتواند در جام‌جهانی که همه تیم‌های بزرگ جهان در آن حضور دارند و همه نیز با تمام قدرت در این بازی‌ها حاضر می‌شوند تیم‌ملی را به خوبی مدیریت کند. اسکوچیچ در ماجرای سفر تیم‌ملی به قطر نباید زیر بار می‌رفت و اجازه می‌داد تیم‌ملی در این کشور اردو بزند. هیچ مربی حاضر نیست در چنین شرایطی و بدون بازی تدارکاتی مانند قطر اردو بزند.**

آیا در شرایط کنونی ادامه کار اسکوچیچ در تیم‌ملی را مناسب می‌دانید؟ آیا وی می‌تواند تیم‌ملی را در جام‌جهانی به خوبی مدیریت کند؟

اسکوچیچ هنوز امتحان خود را پس نداده و مشخص نیست که بتواند در جام‌جهانی که همه تیم‌های بزرگ جهان در آن حضور دارند و همه نیز با تمام قدرت در این بازی‌ها حاضر می‌شوند تیم‌ملی را به خوبی مدیریت کند. اسکوچیچ در ماجرای سفر تیم‌ملی به قطر نباید زیر بار می‌رفت و اجازه می‌داد تیم‌ملی در این کشور اردو بزند. هیچ مربی حاضر نیست در چنین شرایطی و بدون بازی تدارکاتی مناسب در کشوری مانند قطر اردو بزند. آقای استیلی و میرشاد ماجدی فوتبالیست بودند و به خوبی شرایط کشور قطر را درک می‌کنند. خود آقای استیلی زمانی که ما وی و بقیه بازیکنان را به قطر می‌بردیم نسبت به این موضوع اعتراض می‌کردند. چطور شده که در شرایط کنونی تصمیم می‌گیرند تیم‌ملی در قطر اردو بزند. من این برنامه‌ریزی را اشتباه می‌دانم و معتقدم نباید چنین اتفاقی رخ می‌داد. نکته دیگر اینکه کسانی که دنبال به خدمت گرفتن دوباره کی‌روش هستند اگر وی تضمین می‌دهد که ایران از گروه خود صعود کند آن را به عنوان سرمربی انتخاب کنند. کی‌روش باید تضمین بدهد که ایران از گروه خود در جام‌جهانی صعود می‌کند. تنها در چنین شرایطی باید سرمربی تیم‌ملی شود. در غیر این صورت دلیلی برای تغییر سرمربی وجود ندارد و فدراسیون به جای اینکه به دنبال چنین مسائلی باشد به دنبال برنامه‌ریزی دقیق برای حضور تیم‌ملی در جام‌جهانی باشد.

شایعه‌هایی مبنی بر اختلافات برخی بازیکنان تأثیرگذار تیم‌ملی با اسکوچیچ وجود دارد و برخی عنوان می‌کنند بازیکنان تیم‌ملی به شکلی که به کی‌روش احترام می‌گذاشتند به اسکو چنین احترام نمی‌گذارند. اگر این موضوع صحت داشته باشد چه تأثیری در روند تیم‌ملی در جام‌جهانی خواهد داشت؟

اگر این موضوع صحت داشته باشد تیم‌ملی در آینده با چالش‌های بزرگی مواجه خواهد شد. به هر حال تیم‌ملی بازیکنانی دارد که در تیم‌های مطرح اروپایی بازی می‌کنند و تحت هدایت مربیان بزرگی بوده‌اند. هنگامی که این بازیکنان وارد تیم‌ملی می‌شوند و مشاهده می‌کنند که برنامه‌ها نسبت به مربیان خارجی ضعیف‌تر است نسبت به این موضوع واکنش نشان می‌دهند. این وضعیت نظم تیمی را از بین می‌برد و شرایط مدیریت بازیکنان را سخت می‌کند. بازیکنان باید این نکته را در نظر داشته باشند که اگر یک چوب را نیز به عنوان مربی انتخاب کردند باید تابع مربی باشد و نباید رفتاری از خود بروز بدهد که برخلاف این باشد. فدراسیون فوتبال باید تکلیف خود را در زمینه سرمربی تیم‌ملی مشخص کند. آیا فدراسیون با عملکرد آقای اسکوچیچ اعتقاد دارد و معتقدند وی می‌تواند تیم‌ملی را در جام‌جهانی به خوبی مدیریت کند باید شرایطی را برای او فراهم کند که این اتفاق به خوبی رخ بدهد. بهترین کار نیز این است که برای حضور تیم‌ملی در جام‌جهانی برنامه‌ریزی صورت بگیرد بازی‌های تدارکاتی مناسبی در نظر گرفته شود. در کنار اسکوچیچ وحید هاشمیان و کریم باقری نیز حضور دارند و این دو نفر که در گذشته بازیکن تیم‌ملی بوده‌اند به خوبی از وضعیت تیم‌ملی و رویکردی که اسکوچیچ در پیش گرفته اطلاع دارند. به همین دلیل اگر مشکلی وجود داشته باشد حتما بیان می‌کنند.

> **تیم‌ملی بازیکنانی دارد که در تیم‌های مطرح اروپایی بازی می‌کنند و تحت هدایت مربیان بزرگی بوده‌اند. هنگامی که این بازیکنان وارد تیم‌ملی می‌شوند و مشاهده می‌کنند که برنامه‌ها نسبت به مربیان خارجی ضعیف‌تر است نسبت به این موضوع واکنش نشان می‌دهند. این وضعیت نظم تیمی را از بین می‌برد و شرایط مدیریت بازیکنان را سخت می‌کند. بازیکنان باید این نکته را در نظر داشته باشند که اگر یک چوب را نیز به عنوان مربی انتخاب کردند باید تابع مربی باشد و نباید رفتاری از خود بروز بدهد که برخلاف این باشد.**

در بازی‌های اخیر تیم‌ملی به خصوص در بازی با الجزایر و قبل از آن کره جنوبی خط دفاعی و دروازه‌بان تیم‌ملی متزلزل نشان دادند. با توجه به اینکه تیم‌ملی با تیم‌های قدرتمندی در جام‌جهانی مواجه خواهد شد و احتمال در موضع دفاعی قرار خواهد گرفت وضعیت خط دفاعی و دروازه تیم‌ملی را چگونه می‌بینید؟

در شرایط کنونی دروازه‌بانان تیم‌ملی بیرانوند و امیرعابدزاده هستند که دروازه بانان خوبی هستند. به جز این دو دروازه‌بانان دیگری نیز در تیم‌ملی حضور دارند که از وضعیت خوبی برخوردار هستند. عابدزاده در بازی با الجزایر و کره جنوبی عملکرد خوبی از خود نشان نداد و به آن شکلی که باید باشد نبود. این وضعیت تا حدودی درباره خط دفاعی نیز وجود دارد و خط دفاعی تیم‌ملی در بازی‌های اخیر باصلابت نشان نداده است. البته ضعف در خط دفاعی در شرایط کنونی در تیم‌های لیگ برتری نیز وجود دارد. به عنوان مثال خط دفاعی پرسپولیس در سالی که گذشت ضعیف‌ترین عملکرد خود را نشان داد. این در حالی است که در سال‌های گذشته خط دفاعی پرسپولیس یکی از نقاط قوت این تیم به شمار می‌رفت. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که مربیان تیم‌ملی در زمینه استعدادیابی موفق عمل نکرده‌اند و در زمان‌هایی که تیم‌ملی بازی نداشت به دنبال پیدا نکردن استعدادهای دیگری نبودند. بنده به‌خاطر دارم هنگامی که ما علی کریمی را برای پرسپولیس انتخاب کردیم وی اصلا در لیگ بازی نمی‌کرد و بلکه ما وی را از لیگ‌های پایین‌تر انتخاب کردیم. بازیکنان بزرگ دیگری مانند شاهرخ بیانی، پنجعلی و زرینچه نیز همین وضعیت داشتند و از سطوح پایین کار خود را آغاز کردند و در نهایت به باشگاه‌های بزرگ و تیم‌ملی رسیدند. به همین دلیل من معتقدم مربیان تیم‌ملی در زمینه پایه و استعدادیابی عملکرد خوبی نداشته‌اند. کسانی که صحبت از تغییر مربی در شرایط کنونی می‌کنند باید این نکته را در نظر داشته باشند که اگر اسکوچیچ را برکنار کنند چه کسی می‌تواند در شرایط کنونی سرمربی تیم‌ملی باشد که از فوتبال ایران شناخت کافی داشته باشد. اگر کی‌روش عنوان می‌کند می‌تواند با تیم‌ملی ایران موفق باشد چرا همان زمان که مربی تیم‌ملی بود نتوانست موفقیت‌های بزرگی به دست بیاورد و با تیم‌ملی از گروه خود در جام‌جهانی صعود کند.

تیم‌ملی در جام‌جهانی باید با انگلیس، آمریکا و ولز بازی کند. ارزیابی شما از دیدار با این تیم‌ها چیست؟ ایران در مقابل این تیم‌ها باید با چه روشی بازی کند؟

ما در جام‌جهانی با سه کشوری بازی داریم که هر سه انگلیسی زبان هستند و سبک بازی آنها نیز به هم نزدیک، بلکه مشابه هم است. به همین دلیل باید با تیم‌هایی بازی کنیم که سبک فوتبال آنها به این کشورها نزدیک باشد. کشورهایی مانند برزیل، آرژانتین و یا تیم‌های آفریقایی سبک بازی متفاوتی دارند و برای بازی تدارکاتی ایران در جام‌جهانی گزینه‌های مناسبی به شمار نمی‌روند. به عنوان سبک بازی تیم الجزایر که ما با آنها بازی کردیم شبیه تیم‌های هم گروه ایران در جام‌جهانی نیست. در این بازی نیز ما بازی خوبی ارائه نکردیم و بازیکنان تیم‌ملی با روحیه بالایی در این مسابقه شرکت نکرده بودند. شاید از نظر بدنی خوب بودند اما از نظر روانی در وضعیت مناسبی قرار نداشتند. اگر ما به دنبال بازی تدارکاتی خوب برای تیم‌ملی هستیم باید با تیم‌هایی مانند نروژ، هلند و دانمارک بازی کنیم که فوتبال آنها شبیه به تیم‌هایی مانند انگلیس، آمریکا و ولز است.

یـــادداشـــت

شرایط برجام خوب نیست

حشمت‌ا... فلاحت‌پیشه
تحلیلگر مسائل بین‌الملل

من سرنوشت برجام را در قالب داستان اساطیری پنلوپه تشریح می‌کنم؛ پنلوپه از اشراف‌زادگان یونانی بود که همسرش اودوسئوس ۱۰سال در میان جنگ تروا ناپدید شد و ۱۰سال هم بعد از جنگ هیچ خبری از او نبود. همه از بازگشت او ناامید بودند و به همین دلیل پنلوپه را تشویق به ازدواج مجدد می‌کردند و خواستگارهای زیادی هم برایش وجود داشت، اما او که دلش با همسرش بود، منتظر ماند تا آنکه اصرارها آنقدر زیاد شد که پنلوپه شرط گذاشت که کفنی برای همسرش می‌بافم و هر وقت بافت کفن تمام شد، ازدواج خواهم کرد. او کفن را می‌بافت و هر وقت به انتهای کار نزدیک می‌شد همه بافته‌ها را می‌شکافت و از اول می‌بافت. این کار را سه سال انجام می‌داد تا آنکه بالاخره اودوسئوس بازگشت. حالا حکایت کفن برجام است که می‌بافند و باز می‌کنند و باز هم می‌بافند و باز می‌کنند تا روزگاری به نتیجه برسد. به نظر من در حوزه دیپلماسی نوعی شعارزدگی حاکم شده است. ما از فرصتی که قبل از جنگ روسیه و اوکراین وجود داشت استفاده نکردیم و امروز همه کشورها از جمله روسیه در پی کسب حداکثری منافع خویش هستند. واقعیت این است که درک درستی از شرایط وجود ندارد و انگار همه بی‌توجه‌اند که در ماه‌های گذشته ماهی هزار تومان بر نرخ دلار افزوده شده است و گرانی و تورم به بالاترین حد خود رسیده است. در این شرایط اصلی‌ترین درآمد دولت اخذ مالیات است که این مالیات‌ها در شرایطی که معیشت مردم محدود شده است، فشار مضاعفی را بر مردم وارد کرده است. درباره قیاس دو دولت روحانی و رئیسی در حوزه سیاست خارجی باید گفت؛ این ایراد به دولت آقای روحانی وجود داشت که بیش از حد متکی به برجام شد و توجهی به مناسبات دوجانبه با کشورهای مختلف نداشت، اما این ایراد هم به دولت آقای رئیسی وارد است که توجه به مناسبات دوجانبه را فارغ از ضرورت رفع تحریم‌ها در نظر دارد. حتی از همین پیمان شانگهای بدون رفع تحریم‌ها امکان استفاده اقتصادی وجود ندارد یا آنکه مناسبات دوجانبه وقتی اثربخش می‌شود که محدودیت‌های بین‌المللی بر ایران وجود نداشته باشد. به فرض که ما بتوانیم نسبت به گذشته نفت بیشتری بفروشیم، اما توجه نداریم که این نفت را با تخفیف عرضه می‌کنیم. تخفیفی برابر روزانه حدود هزار میلیارد تومان حالا فرض کنید اگر شرایط عادی همین روزانه همین میلیارد تومان را به مدت ۳۰روز یعنی یک ماه به ۳۰استان کشورمان می‌دادیم، چه میزان شکوفایی در تمام نقاط ایران به وجود می‌آمد. از طرفی اصلا این تخفیفات را هم کنار بگذاریم و برسیم به اخذ پول. ما در شرایطی هستیم که به دلیل محدودیت‌های بین‌المللی اگر نفت‌مان را با تخفیف هم بفروشیم، در اخذ پولش با مشکلاتی روبه‌رو هستیم. امروز نیاز به یک تصمیم سیاسی مهم است. ما روزگاری می‌توانستیم خودمان پشت میز مذاکره سرنوشتمان را تعیین کنیم و امروز باید منتظر بمانیم که در لابی‌های پشت پرده شورای حکام و شورای امنیت چه تصمیماتی گرفته می‌شود و این شرایط خوب نیست.

نکتـــه

گفت‌وگوی طالبان با ایران درباره اجرای حقابه هیرمند

وزارت آب و انرژی طالبان اعلام کرد که در سفر اخیر مقامات این وزارتخانه با ایران در خصوص مشکلات اجرای معاهده حقابه میان دو کشور ایران و افغانستان گفت‌وگو کرده است. به نقل از خبرگزاری افغان ایرکا، وزارت آب و انرژی دولت موقت طالبان روز گذشته در خصوص سفر اخیر هیاتی از این وزارتخانه به ایران توضیحاتی ارائه کرد. براساس اعلام وزارت انرژی طالبان، هیات این وزارتخانه در بیست‌وپنجمین نشست کمیساریای آب رودخانه هلمند در تهران از تاریخ ۲۵ تا ۲۷ خرداد و با ریاست «مجیب‌الرحمن عمر آخوندزاده» معاون این وزارتخانه حضور یافته است. وزارت انرژی دولت موقت طالبان گفته است که در این نشست با طرف ایرانی در خصوص مشکلات اجرای حقابه ایران رایزنی کرده است. کمیسیون آب هیرمند سالانه دو بار جلسه برگزار کرده و آخرین نشست آن با حضور مقامات دو کشور ایران و افغانستان در ولایت نیمروز برگزار شده بود. وزارت انرژی طالبان همچنین تاکید کرده است که در نشست اخیر در خصوص وضعیت غیرنرمال آبی سال ۱۴۰۰ با مقامات ایران گفت‌وگو کرده و بر لزوم اجرای کامل معاهده میان دو کشور تاکید صورت گرفته است. پیش از این مقامات طالبان بر اجرای کامل حقابه ایران و افغانستان تاکید کرده بودند. در این راستا، «ذبیح‌ا... مجاهد» سخنگوی طالبان موضوع حقابه بین افغانستان و ایران را حل شده دانست و گفت در صورتی که طرف افغانستان به اندازه کافی آب داشته باشد جمهوری اسلامی ایران نیز از آب مستفید خواهد شد. همچنین «انعام ا... سمنگانی»، معاون سخنگوی طالبان نیز در این باره گفت که افغانستان به همه تعهداتی که از پیش در مورد حقابه با جمهوری اسلامی ایران داشته، پایبند است. به گفته وی، بر اثر خشکسالی افغانستان هم با کمبود آب مواجه است و شاید حقابه ایران هم از این بابت متأثر شده و این مسأله، قابل بحث است. سمنگانی همچنین تأکید کرد که طالبان آماده است نگرانی ایران در این زمینه را از راه گفت‌وگو رفع نماید.